

تحولات اخیر سیاست جنایی فرانسه*

نوشته: ژاک بوریکان**

ترجمه: دکتر ناصر علی منصوریان^۱

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی mansourian@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۱/۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۱/۲۴

چکیده

در چارچوب مطالعه تحولات اخیر سیاست جنایی فرانسه، کارنامه نظام تقنینی معاصر نشان دهنده نوعی دوگانگی است. از سوئی با دوگانگی در بزهکاری و از دیگر سو، با دوگانگی در اصلاح کیفر مواجه هستیم. در اولی از جمله طی ترتیبات قانون مه ۱۹۹۶ و قانون ژوئیه ۲۰۰۰ دو جهت گیری متضاد کیفرزدائی و کیفرافزایی شکل می گیرد. در حالیکه، در مورد اخیر طبق قوانین مارس ۲۰۰۴ و اکتبر ۲۰۰۷ در بعضی موارد تخفیف کیفر و در برخی دیگر تشدید کیفر پیش بینی شده است. در روند دوگانگی در بزهکاری، قانونگذار فرانسوی در جستجوی هماهنگ سازی اندیشه «عدالتخواهی» با ضرورت «قاطعیت» است. اما، در روند دوگانگی در اصلاح کیفر هدف او واقع گرائی توأمان در هم شکل سازی و نیز در اعمال مجازات هاست.

واژگان کلیدی: حقوق فرانسه، سیاست جنایی، جرم، کیفر، حقوق بشر.

* Jacques Borricand, La politique criminelle française contemporaine, 13 pages, December 2007.

۱. مترجم لازم می داند از کمکها و راهنماییهای آقای دکتر مؤذن زادگان و آقای دکتر نجفی ابرندآبادی در خصوص کاربرد و تطبیق تعابیر و اصطلاحات حقوق جزا در ترجمه آنها از فرانسه به فارسی، سپاسگزاری نماید.

سه اندیشه غالب در سیاست جنایی معاصر فرانسه ملاحظه می‌گردد:

افزایش بزهکاری

بین‌المللی شدن بزهکاری

اعتلای حقوق بشر

به بیان هر کدام از این سه اندیشه غالب می‌پردازیم:

۱. افزایش بزهکاری

افزایش بزهکاری در فرانسه موضوع جدیدی نیست، زیرا، لااقل از بیست سال پیش گسترش خاص و خارق‌العاده پیدا کرده است، بگونه‌ای که امروزه شامل حدود چهار میلیون عمل مجرمانه در سال می‌شود. از نظر کیفی، ما مواجه با تنوع در اشکال جرم هستیم. یعنی:

اولاً - جرائم حيله‌گرانه (مانند صورتحساب‌های جعلی، تقلب مالیاتی، جرایم رایانه‌ای).

ثانیاً - جرائم سازمان‌یافته که در سالهای اخیر ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده‌اند؛ چیزی که ناشی از بازشدن مرزهاست و در بخش‌های متعدد بروز و ظهور نموده است.

ثالثاً = ظهور نوعی حرفه‌زدایی بزهکاران. امروزه، بزهکاری جوانان به طرز نگران‌کننده‌ای توسعه یافته است. سن جوانان بزهکار بیش از پیش در حال کاهش است. ما شاهد بزهکاری هرچه گسترده‌تر خارجی‌ها، بویژه در زمینه فحشاء، و اخاذی و قاچاق مواد مخدر نیز هستیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۲. بین‌المللی شدن بزهکاری

بین‌المللی شدن بزه دیگر واقعیت مهم در سیاست جنایی معاصر فرانسه است. این امر دولت فرانسه را مجبور می‌کند تا پاسخ‌های راهبردی مناسب برای مقابله با جابجایی جرم بیابد. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا دست به اصلاحاتی زده‌اند، و از این رهگذر تشکیلاتی را بوجود آورده‌اند، که بتوانند به گونه مؤثرتری با افزایش جرائم مبارزه کنند.

۳. اعتلای حقوق بشر

موضوع اعتلای حقوق بشر، سومین عامل قوی است که امروز بر سیاست جنایی فرانسه سایه افکنده است .

ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه مقرر می‌دارد : « هدف هر سازمان سیاسی حفظ حقوق طبیعی بشر است که مقید به زمان نیست... ».

در چارچوب مجموعه‌ای از قوانین که این روزها یکی پس از دیگری نوعاً عجولانه تصویب می‌شوند، ما با ظهور اندیشه‌هایی مواجه هستیم که هماهنگ کردن آنها با هم گاه دشوار است، و لازم می‌آید در خصوص آنها به رعایت احتیاط قائل باشیم. اکنون در فرانسه شاهد یکنوع گرایش احساسی و هیجانی در قانونگذاری هستیم . نمونه آن قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ پیشگیری از بزهکاری است. سارکوزی که به ریاست جمهوری فرانسه برگزیده شده است، موكداً خواست اصلاحاتی در قانونگذاری جزایی ایجاد کند که پارلمان می‌بایست در ماههای بعد آنها را به تصویب برساند.

اگر به کارنامه دستگاه تقنینی معاصر نظر کنیم می‌توان تکوین اندیشه‌هایی را دریافت که به جرم‌انگاری و کیفر آنها مربوط می‌شود . این اندیشه‌ها حول دو محور بوده در واقع نوعی دوگانگی را نشان می‌دهند که خود مبین تردیدها و تعارضات در سیاست جنایی فرانسه است.

فصل اول

دوگانگی در جرم‌انگاری

هنگامی که پژوهشگر کارنامه سیاست کیفری فرانسه را در دو دهه اخیر مرور می‌کند، متوجه دو جهت گیری متضاد می‌شود: گاه گرایشی به کیفرزدائی می‌بیند و گاه، بویژه در سالهای اخیر، به صورت نامحسوس اما مؤثر، نوعی تحول و تمایل به سوی کیفرافزایی را در می‌یابد. این دو اندیشه، یعنی کیفرزدایی و کیفرافزائی ذیلاً مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

بند اول - کیفرزدایی

می‌توان کیفر زدایی را نوعی کاربرد سیاست جنایی دانست. چنین سیاستی در جهت کاهش یا حذف مجازات، و یا جان‌نشین کردن آن به تدبیری غیرکیفری در برابر عمل مجرمانه به کار می‌رود.^۱

چنین تعریفی به دو دلیل قابل توجیه به نظر می‌رسد: یکی ضرورت توجه به تحولات اخلاقی و دیگری نگرانی دولت در پاسخ‌گویی به الزامات عملی. به عنوان مثال، در گذشته، دولت فرانسه اقدام به کیفرزدایی از جرم چک بی محل، و لغو کیفر زنای معصه، ولگردی و تکدی نمود. اخیراً نیز دولت در جرائم مربوط به ارتباطات سمعی - بصری، حیل ضد رقابتی یا معاملات بورس به افزایش ضمانت اجراهای اداری متوسل شد. اما آنچه در این جا بیشتر شایسته توجه است تعریف جدیدی است که به موجب قانون ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰ از جرائم غیرعمدی شده است.

در سال ۱۹۹۴ در ارتباط با مفهوم تدلیس، خطری بروز و ظهور یافت مبنی بر چگونگی رفتار فرد که بدون قصد اضرار خساراتی را با تخلف آگاهانه یا داوطلبانه نسبت به یک قاعده، پیش‌بینی می‌کند، یا ممکن‌الوقوع می‌شمارد. این تعریف جدید را نمایندگان پارلمان پذیرفتند. زیرا، ممکن بود خود اولین قربانیان چنین تعریفی باشند. لذا، پارلمان به انجام دو اصلاح زیر هدایت شد:

اولاً- قانون ۱۳ مه ۱۹۹۶ که محدودیت‌های فراوانی برای تعریف سنتی «تقصیر مبتنی بر بی‌احتیاطی» قائل شد، و فصل ویژه‌ای را به مسئولیت انتخاب شوندگان اختصاص داد.

ثانیاً- قانون ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰ در مسیر کیفری‌زدایی بیشتر جلو رفت. به موجب این قانون: «جرم وقتی محقق می‌شود که قانون آن را پیش‌بینی کند؛ یا وقتی که تقصیر مبتنی بر بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری بوده و یا ترک فعلی است در برابر تعهد احتیاط یا ایمنی که قانون یا مقررات دولتی آن را پیش‌بینی کرده باشند، مشروط بر اینکه مرتکب دقت‌های لازم را در چارچوب وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و همچنین توانایی‌ها و امکاناتش به کار برده باشد».^۲

1. R.Gassin, Criminologie, 5ème édition, 2003, D.no698S

2. Yves Mayaud, Retour sur la culpabilité non intentionnelle en droit pénal, D.2000, 603

معهدنا، به نظر می‌رسد که گرایش به کیفرزدایی و اسپین نفس‌هایش را می‌کشد. به عنوان نمونه، کیفرزدایی اعتیاد که غالباً مطرح می‌شد دیگر در دستور کار نیست. برعکس، امروزه بازگشت آشکاری به کیفر اولویت می‌یابد که شایسته است اینک به آن بپردازیم.

بند دوم - کیفرافزایی

اول - دلایل بازگشت به کیفر

الف - دلایل عملی:

تقریباً در همه کشورهای غربی، پلیس افزایش قابل توجه بزهکاری را احراز کرده است. در فرانسه طی سی سال، بزهکاری پنج برابر شده است.^۱ از این رهگذر، جایگاهی که بزه‌دیده در فرآیند کیفری پیدا کرده، توجیه‌کننده تشدید بازگشت به مجازات است.

ب - دلایل نظری:

امروزه، پذیرفته شده است که آمارگیری هرچه هم ناقص باشد ابزار شناخت راستین کمیت بزهکاری است.

ج - دلایل سیاسی:

نوعی رقابت بین جناح راست سیاسی که از حال رخوت خارج شده (آقای نیکولاسارکوزی^۲ [در جریان فعالیت های انتخاباتی اش] اعلام کرد که می‌خواهد ساکنان مهاجر را با شیلنگ بزرگ از حومه پاریس پاک سازد!) و جناح چپ سیاسی که بعضی رهبران در مبارزه علیه بزهکاری به ویژه بزهکاری اطفال از خود شدت عمل بیشتر بروز می‌دهند (اظهارات خانم سگولن رویال^۳ کاندیدای حزب سوسیالیست، در انتخابات ریاست جمهوری آوریل ۲۰۰۷ نمونه آن است) وجود دارد.^۴

دوم - مظاهر بازگشت به کیفر

در فرانسه، پدیده کیفرافزایی ابتدا با تشدید جرم‌انگاری و بالاخص با گسترش دامنه اشخاص مسئول چهره می‌نماید.

1. Annuaire statistique de la justice, 2006, la documentation française

2. Nicolas SARKOZY

3. Ségolène ROYAL

4. J.J.Gleiz al, La réforme des dispositifs de sécurité en France, RSC 2002, 900.

الف - تشدید جرم انگاری

این سیاست یا با گسترش دامنه جرائم موجود، و یا با تشدید ضمانت اجراهای احتمالی جرائم مربوطه اعمال می شود. نمونه آن جرائم تروریستی و جرائم سازمان یافته است. قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ چندین جرم را زیر پوشش می گیرد: باند تبهکاران، جرم پولشویی، حمایت از فحشاء، روسپی گری، و توقیف غیرقانونی اشخاص (قانون ۲۳ ژانویه درخصوص تروریسم). مثال دیگر آن جرائم جنسی است که قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ درخصوص پیشگیری جرائم جنسی و همچنین قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ راجع به تضمین بهینه حمایت از کودکان قربانی سوء استفاده جنسی، آن ها را زیر حمایت کیفری قرار می دهند (قانون ۴ آوریل ۲۰۰۶ مبارزه علیه ترغیب، ارتکاب بعضی جرائم ضد صغار)، و نهایتاً، مورد مبارزه علیه جرائم ارتكابی در راهها. متون متعدد، یکی پس از دیگری، برای افزایش مجازات ها تصویب شده اند. به موازات آنها، ما شاهد افزایش اختیارات پلیس و دستگاه دادگستری هستیم. هر جرمی باید مورد تعقیب قرار گیرد و جلسات محاکمه برای اثبات بزهکاری تشکیل شود. درخصوص جرائم جنسی، پلیس فیش های انفورماتیک ایجاد کرده است. بالاخره مهم است یادآوری کنیم که اراده دولت بر این قرار گرفته است که سیاست امنیتی مستمر و هماهنگی به وجود آورد. قانون پیشگیری از بزهکاری ۲۰۰۷ اختیارات مهمی را برای شهرداری ها پیش بینی می کند.

ب - گسترش دامنه اشخاص مسؤول

۱. مسئولیت اشخاص حقوقی^۱

قانون جدید مجازات عمومی ۱۹۹۴، همچون قوانین ایالات متحد آمریکا، انگلستان و چین، از این پس مسئولیت اشخاص حقوقی را نیز پیش بینی می کند. ضرورت چنین مسؤولیتی بدیهی به نظر می رسد. باید از اینکه اشخاص حقیقی برای ارتکاب جرم خود را تحت پوشش شخصیت اشخاص حقوقی قرار دهند، جلوگیری کرد.

اعمال مسئولیت:

اعمال این مسئولیت محدود به انتقال و جایگزینی قواعد حاکم بر اشخاص حقیقی در مانحن فیه نبوده، بلکه انطباق آن ها نیز ضرورت می یابد. صلاحیت دادگاهها به تبع مرکز

1. M.E.Cartier, La responsabilité pénale des personnes morales.

اصلی واحدها، مجامع و شرکت‌ها، یا محل ارتکاب تخلف تعیین می‌شود. اقدام قضایی باید علیه نمایندگان قانونی اشخاص حقوقی که در زمان شروع تعقیب شاغل در سمت خود هستند، صورت گیرد.

زمینه

چه واحدها یا نهادهایی؟

قانون تنها ناظر بر واحدها و شرکت‌هایی است که دارای شخصیت حقوقی هستند. دولت مسئولیتی در زمینه کیفری ندارد. عدم مسئولیت دولت می‌تواند موجب شگفتی شود، اما به دو دلیل قابل توجیه است:

اولاً - ضرورت احترام به اصل تفکیک بین محاکم عمومی و مراجع اداری
ثانیاً - عدم امکان عملی دولت به کیفر رساندن دولت به عنوان مظهر قدرت عمومی.

چه جرائمی؟

در قانون مجازات ۱۹۹۴ فرانسه، مسئولیت تنها در صورتی می‌توانست محقق شود که مخصوصاً در متن قانونی که جرائم را فهرست می‌کرد، پیش‌بینی شده باشد. از سال ۱۹۹۴ فهرستی بس طولانی از جرائم تنظیم گردیده بود. در سال ۲۰۰۴، قانونگذار ترجیح داد این مسئولیت ویژه را با مسئولیتی عام جایگزین کند، و کیفر قابل اعمال را افزایش دهد (ماده ۱۲۱ قانون مجازات). از این پس، اشخاص حقوقی ممکن است جرمی را مرتکب شوند و بابت آن از نظر کیفری مسئول باشند.

شرایط اعمال مقررات

ارتکاب جرم:

مرتکبین

ماده ۱۲۱ (بند ۲) قانون مجازات عمومی پیش‌بینی می‌کند که جرائم باید توسط ارکان یا نمایندگان واحد ارتکاب یابد. منظور اشخاص حقیقی هستند که مدیریت شخص حقوقی را در اختیار دارند. بعنوان مثال، مدیر عامل یک شرکت یا بخشدار یک بخش در تقسیمات کشوری.

عناصر شاکله جرم

بر مرجع رسیدگی است که عناصر شاکله جرم را اثبات و احراز کند. رویه قضایی در این خصوص بسیار سخت‌گیر است.

انتساب جرم

احراز مجرمیت موجب انتساب جرم به شخص حقوقی می‌شود. تخلفاتی که ارکان یا نمایندگان اشخاص حقوقی مرتکب می‌شوند، «به حساب خود آنها» کیفر داده می‌شود. امکان دارد مسئولیت اشخاص حقوقی با مسئولیت اشخاص حقیقی در یکدیگر ادغام شوند.

۲. مسئولیت صغار

در فرانسه، صغیر کسی است که به سن کامل اهلیت حقوقی یعنی ۱۸ سال تمام نرسیده باشد. حقوق کیفری صغار همواره بسیار متحول بوده است. تصویب‌نامه قانونی ۲ فوریه ۱۹۴۵ منشور بزهکاری اطفال به شمار می‌رود که در آن براساس عدم مسئولیت کیفری نه به سرکوب بلکه به تعلیم و تربیت اولویت داده می‌شد. ویژگی قابل اعمال بر صغار از ابتدا قویاً تحت تأثیر اصلاحاتی است که هدفشان تشدید مجازات مجرمین صغار است. این مطلب نیاز به توضیح بیشتر دارد.

بدو این که، قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲، بی‌آنکه اصول مؤثر منشور ۱۹۴۵ را زیر سؤال قرار دهد، پیش‌بینی می‌کند که «صغار ممیز در مورد جنایات، جنحه‌ها و خلاف‌هایی که مجرم شناخته شده‌اند مسئولیت کیفری دارند» (ماده ۱۲۲- بند ۸ الخ). بعلاوه، قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ راجع به پیشگیری از جرائم مقرر می‌دارد که کاهش قانونی مجازات حبس چه به دلیل اوضاع و احوال موردی مربوط به شخصیت صغیر، و چه به دلیل اینکه جرائم علیه اشخاص در حال تکرار جرم قانونی انجام گرفته باشد، ممکن است برای صغار بین ۱۶ تا ۱۸ سال لغو گردد. و بالاخره، قانون ۱۰ اوت ۲۰۰۷ ترتیبات سرکوب‌گرانه را افزایش می‌دهد. گرچه قانون موارد محدودتر شدن کیفرها را قابل افزایش می‌داند، اما، مورد صدمه عمومی به حیات شخص یا لطمه جسمانی یا روحی به او، و همچنین جرم تجاوز جنسی را که در هر دو حالت تحت شرایط تکرار جرم قانونی صورت

گرفته باشد نیز پیش‌بینی می‌کند. ضمن آنکه، متن قانونی مزبور «حداقل کیفرهای اجباری» را برای صغار تکرارکننده جرم برقرار می‌سازد.^۱ شورای قانون اساسی فرانسه هیچگونه قید و شرطی در خصوص ترتیبات قانون مزبور که بعضاً کمابیش محل اعتراض بود، قائل نشد.

اولاً - پذیرش مسئولیت

به موجب تصویب‌نامه قانونی ۱۹۴۵، مجرم صغیر باید علی‌الاصول طفلی در معرض خطر محسوب شود، و در مورد او تدابیر تعلیم و تربیتی و غیر سرکوب‌گر پیش‌بینی گردد. معهداً، این تحلیل توسط دیوان کشور زیر سوال رفت، و دیوان قاعده تمیز را طی رأی صادره در پرونده^۲ لایوب مجدداً برقرار کرد. به استناد اصول کلی حقوق، دیوان لازم دانست که اثبات شود طفل صغیر عمل منتسب به خود را خواسته و فهمیده است. از این زمان، بین طفل کم سن و سال که نمی‌فهمد چه می‌کند و بنابراین همواره باید تبرئه شود، و طفل مسن‌تر که آثار رفتاری خود را درک می‌کند، باید قایل به تفاوت و تمایز بود. در چارچوب چنین دیدگاهی است که می‌توان گفت این نوع مسئولیت که با احراز آن اطفال مشمول قضاوت و حکم سرکوب‌گر واقع می‌شوند، مسئولیتی اخلاقی است. قانون جدید ۱۹۹۴، می‌باید این رویه قضایی را در ماده ۱۲۲ (بند ۸) قانون مجازات که مقرر می‌دارد: «اطفال مرتکب تخلفات کیفری تحت تدابیر حمایتی مددکارانه مراقبت و تعلیم و تربیت قرار دارند»، ادغام کند. قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ این تغییر و تحول را با بازنگری ماده ۱۲۲ (بند ۸) قانون مجازات عمومی به کمال رساند: «صغار ممیز، در مورد جنایات و جنحه‌ها و خلافهایی که مجرم شناخته شده‌اند، مسئولیت کیفری دارند».

ثانیاً - گسترش ضمانت اجرا

تصویب‌نامه قانونی ۱۹۴۵ به تدابیر آموزشی - پرورشی اولویت می‌داد. تنها صغار بیش از ۱۳ ساله می‌توانستند به کیفر محکوم شوند، آن هم «وقتی که اوضاع و احوال و شخصیت مجرم چنین قضاوتی را ایجاب کند».

۱. عبارت "حداقل کیفرهای اجباری" ترجمه اصطلاحی است که قانونگذار در این جا به کار گرفته (des "peines plancher") به لحاظ لفظی دقیقاً به معنای «کیفرهای کف» [درمقابل سقف] می‌باشد. (مترجم)
2. l'Arrêt Laboube

قانون ۲۰۰۲ ضمانت اجرای نوع سومی را، در شرایطی که اوضاع و احوال و شخصیت طفل اقتضا کند، بین تدابیر تعلیم و تربیت از سویی و کیفر از سویی دیگر، پیش‌بینی نموده است.

ضمانت‌های اجرایی‌های تربیتی

این تدابیر متعدد هستند. بعضی از آنها حضانت طفل را مورد نظر دارند، وقتی که طفل به خانواده بازگردانده می‌شود یا در مرکز خاصی نگهداری می‌گردد. بعضی دیگر تدابیر آزادی تحت مراقبت را برقرار می‌کنند. در این صورت لازم است نماینده‌ای مسئول مراقبت از صغیر تعیین شود. حمایت قضایی طفل موجب برقراری تدابیر حمایتی مددکاری، مراقبت و تعلیم و تربیت می‌گردد و بالاخره، میانجی‌گری مراکز دولتی در زمینه خانوادگی موضوع تازه‌ای است.

ضمانت اجرای تربیتی

این ضمانت اجراها نوع جدیدی از حل مسأله بزهکاری جوانان را مطرح می‌سازند که عبارتند از: ضبط وسایل ارتکاب جرم، و ممنوعیت حضور در بعضی مکانها در ارتباط با قربانی.

کیفرها

کیفرهای صغار در مقایسه با کیفرهای قابل اعمال بر بزرگسالان کاهش یافته‌اند. حبس ابد به حبس ده تا بیست سال تبدیل شده و حبس موقت به نصف تقلیل پیدا کرده است. بی‌شک قانون جدید فلسفه کلی تصویب‌نامه قانونی ۱۹۴۵ را دگرگون کرده است. همان گونه که به درستی برداشت می‌شود، رژیم کیفری حاکم بر صغار به رژیم مربوط به بزرگسالان نزدیک می‌گردد. امروزه، اندیشه پذیرفته شده روانشناسان جایگاه خود را پیدا کرده است. به موجب این اندیشه، اطفال تمایل دارند که با آنان همچون بزرگسالان رفتار گردد. آنها نیاز دارند مسئول شمرده شوند.^۱

1. J. Castaignède, la loi du 9 septembre 2002, D.2003, 779

قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ عدالت سریع‌تر و قاطعانه‌تری را پیش‌بینی می‌کند.^۱ قانون ۱۰ اوت ۲۰۰۷ که هدفش محدود کردن تکرار جرم بوده دو موضعگیری اساسی کرده است. این قانون در مورد صغار تکرار کننده جرم « حداقل کیفرهای اجباری » را برقرار می‌کند. اینها صغاری هستند که مجازات حبس را طی می‌کنند که نصف مجازات اشخاص بزرگسال است. البته، این قاعده شامل حال صغار بین ۱۶ و ۱۸ سال و آنهایی که تقلیل مجازات آنان لغو شده است، نمی‌گردد. در واقع، در سه مورد امتیاز تقلیل و کاهش مجازات‌های صغار بین ۱۶ و ۱۸ سال اعمال نمی‌شود: اوضاع و احوال یا شخصیت صغیر، جنایات علیه حیات یا سلامت جسمانی، جرائم خشونت‌بار و تجاوزات جنسی. امروزه، اعمال مجازات زندان روبه افزایش است: در سال ۲۰۰۰ تعداد ۱۶۲ صغیر، اما در سال ۲۰۰۴ تعداد ۲۰۰۹ صغیر به حبس محکوم شده‌اند.

فصل دوم

دوگانگی در اصلاح کیفر

حقوق کیفری موضوعه معاصر فرانسه امروزه دستخوش اصلاحات قابل توجهی شده است. قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ اعلام می‌دارد: «شخصی شدن مجازات‌ها باید سبب شود هر زمان که امکان دارد محکوم تدریجاً به آزادی بازگردد، و مانع از آن شود که بازگشت به آزادی عاری از هرگونه مراقبت قضایی باشد». معهذ، اجرای کیفرها باید منافع جامعه را حفظ و تأمین نماید و در همین راستا، از تکرار جرم پیشگیری کند. متن مزبور امروزه بیان‌گر دوگانگی در اصلاح کیفرهاست.

بند اول - تخفیف کیفر

قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ که هدفش تقویت تعادل آیین دادرسی کیفری است ترتیباتی دارد که حقوق مجرمین را بهتر تضمین می‌کنند. ترتیبات اصلی آن عبارتند از: تعدد قاضی تحقیق، رسیدگی مشترک قضات تحقیق، استثنایی بودن بازداشت موقت، ترافیعی بودن آیین دادرسی کیفری، تسریع آیین رسیدگی. در زمینه نظام زندانها، این تشدید مجازات‌ها از جمله در ایجاد کیفرهای جایگزین جلوه می‌کند. با شروع آن از سال ۱۹۷۵ در چارچوب

1. AJP, mai 2007

مبارزه با زندانهای کوتاه مدت، امروزه کیفرهای جایگزین می‌توانند جای جریمه را پر کنند. مثلاً در موضوع کیفرهای تأبیبی (جنحه ای)، عبارت می‌شوند از «جریمه روزانه»، کار عام‌المنفعه، حرفه آموزی شهروندی و بعضی مجازات های محروم‌کننده یا محدودکننده حق (مثال: لغو گواهینامه رانندگی).

از سوی دیگر، قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ قضایی کردن اعمال کیفرها را در چارچوب ایجاد دادگاهی برای اجرای کیفرها و افزایش طرق رسیدگی پیگیری می‌کند. قانون مزبور می‌کوشد به ضمانت اجراهای جایگزین زندان اعتبار تازه‌ای بخشد تا بیشتر مورد استفاده قرار گیرند؛ تخفیف کیفر در دو سطح می‌تواند بررسی شود: در زمان صدور حکم و در زمان اجرا.

اول - تخفیف کیفر در زمان صدور حکم

امروزه، دغدغه قانونگذار تشویق به بازگشت مجرم به جامعه است.

الف - اجتناب از مجازات

۱. اشکال گوناگون تعلیق مجازات

اولاً - تعلیق ساده :

تعلیق ساده زمینه ساز کیفرهای جایگزین زندان به شمار می‌رود. دامنه اعمال آن گسترده است و شامل اشخاص حقیقی یا حقوقی و حتی همه کیفرها بدون رعایت شدت آنها، می‌شود. مجرم در دوره آزمایشی پنج ساله، نباید جنایت یا جنحه ای مرتکب شود که به محکومیت جدید منجر گردد. در غیر این صورت، قاضی تعلیق مجازات را لغو می‌کند. در پایان مدت آزمایشی، محکومیت تعلیقی کان لم یکن محسوب می‌شود.

ثانیاً - تعلیق آزمایشی

این نوع تعلیق عبارت است از معافیت از تحمل کیفری زندان ناشی از ارتکاب جنایت یا جنحه به مدت حداکثر پنج سال^۱، مشروط بر اینکه محکوم تعهداتی را در دوره معین گردن نهد. در تفاوت با تعلیق ساده، چنین تعلیقی به هر نوع مجرمی، صرفنظر از پیشینه کیفری‌اش، تعلق می‌گیرد. دوره آزمایشی مورد تعهد مجرم نمی‌تواند کمتر از هجده ماه و بیشتر از سه سال باشد. تعهدات دوره آزمایشی مجرم دو نوع‌اند: یکی تعهدات عام شامل

1. Bouloc, droit pénal général, 19 ème édition, Dalloz, 733

تدابیر نظارتی در خصوص اقامتگاه محکوم و نحوه زندگی او، و دیگری تعهدات خاص ایجابی یا سلبی که قاضی حکم انجامشان یا ترک آنها را می‌دهد. یعنی، داشتن فعالیتی حرفه‌ای، انجام بعضی آزمایشات پزشکی، جبران خسارات حاصله، گذراندن دوره حرفه آموزشی شهروندی (قانون ۹ مارس ۲۰۰۴)، و دیگر، ممنوعیت رفت و آمد به مکان‌های خاص، ممنوعیت حمل اسلحه و یا شرط بندی.

ثالثاً - تعلیق با تعهد انجام کاری عام المنفعه

شکل جدید تعلیق که با قانون مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ بوجود آمده است، شامل اشخاص حقیقی می‌شود که بعلت ارتکاب جنایت یا جنحه ابتدائاً یا بر اثر تکرار جرم به حداکثر پنج سال زندان محکوم شده‌اند. مدت کار باید بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت تعیین شود، و دوره‌ای که طی آن کار مزبور باید انجام گیرد نمی‌تواند طولانی‌تر از هجده ماه باشد.

۲. کار عام المنفعه

قانون ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ ضمانت اجرایی را پیش‌بینی کرده است که به موجب آن محکوم کار و خدمتی بدون مزد بنفع یک انجمن، یک جمعیت (مانند شهر) یا یک مؤسسه عمومی (مانند بیمارستان) انجام دهد. کار عام المنفعه یا خدمت عمومی در مورد مجازات‌های اصلی، و در مورد مجازات‌های تکمیلی است. نحوه اجرای کار عام المنفعه توسط قاضی اجرای مجازات‌ها مشخص می‌شود، و مستلزم رضایت قبلی مجرم است.

۳. آموزش مقررات شهروندی

از اول اکتبر ۲۰۰۴، طی دوره آموزش شهروندی، از جمله در خصوص جرائم نژادپرستانه، هدفش ایجاد حساسیت و احیای ارزش‌های جمهوری در ارتباط با گذشت و مدارا و احترام به کرامت انسانی است.

۴. برقراری مراقبت الکترونیکی

این تدبیر از سال ۲۰۰۰ اتخاذ شده است.^۱ دستگاه شامل یک فرستنده است که به میچ دست یا میچ پای شخص مورد مراقبت بسته شده و گیرنده‌ای در محل مراقبت (اقامتگاه یا محل کار) جاسازی شده است. مرکز مراقبت بر پیام‌های گیرنده نظارت دارد. چنین مراقبتی که مستلزم موافقت قبلی محکوم است می‌تواند توسط دادگاه یا قاضی اجرای مجازات‌ها

1. B. Bouloc, op.cit. Numéro 771-1

تصمیم‌گیری شود. در واقع، این تدبیر به نوعی نحوه اجرای کیفرهای سلب‌کننده آزادی است.

ب - تعدیل مجازات

۱. تعویق مجازات

از زمان قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ دادگاه حق دارد متهم را دارای مسئولیت کیفری و مدنی بشناسد، و لی صدور حکم محکومیت کیفر او را حتی چندین بار به تعویق افکند. دادگاه در این مورد تاریخی را که موخراً در آن تعیین کیفر خواهد کرد، مشخص می‌نماید. در هر حال، تصمیم نهایی باید تا حداکثر یک سال از زمان اولین تعویق اتخاذ شود. آنگاه، دادگاه یا تعویق را تمدید خواهد کرد و یا تعیین کیفر خواهد نمود.

۲. تقسیم مجازات

این تدبیر کیفری، مستلزم آن است که دادگاه صادرکننده حکم انگیزه مهمی همچون وضعیت پزشکی، موقعیت خانوادگی، حرفه‌ای یا اجتماعی را که مانع اجرای عادی کیفر بشود، در شخص محکوم بیابد. کیفرها عبارت می‌شوند از جریمه، یا زندان بیشتر از یک سال که در محکومیت‌های تأدیبی، تعیین و صادر می‌شوند.

۳. نیمه آزادی

این تدبیر نیز یا توسط دادگاه صادرکننده حکم - مشروط بر اینکه مجازات زندان از یک سال تجاوز نکند - یا توسط قاضی اجرای مجازات‌ها طی دوران اجرای محکومیت اتخاذ می‌شود.

دوم - تخفیف کیفر در زمان اجرای حکم

قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ پیش‌بینی می‌کند که زندانهای کوتاه و متوسط لزوماً می‌توانند به انحاء زیر مورد تجدید نظر قرار گیرند:

الف- آیین آمایش

قانون مجازات عمومی فرانسه دو روش را پیش‌بینی می‌کند:

اگر محکومیت زندان از یکسال تجاوز کند، قاضی اجرای مجازات‌ها یا قاضی اطفال می‌توانند درخصوص تجدید نظر تصمیم‌گیری نمایند. در طول بازداشت، محکوم می‌تواند چنین تصمیمی را درخواست کند، مشروط بر اینکه اگر اولین محکومیت اوست نصف آنرا

گذرانده باشد، و اگر مشمول تکرار جرم است، دوسوم محکومیت خود را طی نموده باشد. همچنین، مشروط بر این که به همراه محکومیت‌ها تدابیر ایمنی و احتیاطی پیش‌بینی نشده باشند.

اگر مدت زمان محکومیت باقیمانده سه سال زندان یا کمتر از آن باشد، یا چنانچه مدت مجازات تعیین شده کمتر از ده سال زندان باشد، قاضی اجرای مجازات‌ها در این خصوص صلاحیت تجدیدنظر دارد. در دیگر موارد، دادگاه اجرای مجازات‌ها، صلاحیت خواهد داشت. این دادگاه مرجع قضایی جدیدی است که قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ بوجود آورده است. تمام تصمیمات قضایی پس از این قانون قابل تجدیدنظر هستند.

ب- روش‌های آمایش

این روش‌ها یا به صورت بازداشت تخفیفی یا در چارچوب محدودیت دوران زندان اعمال می‌شوند. در هر حال این بازداشت‌ها یا محدودیت‌ها به حساب دوره حبس محکومین گذاشته می‌شود.

۱. رژیم‌های حبس تخفیف یافته

اولاً - مرخصی‌ها - منظور اجازه‌ای است که در طول اجرای محکومیت داده می‌شود تا به مدت معین از محل حبس خارج شوند.

ثانیا - نیمه آزادی - محکوم در چارچوب چنین رژیمی می‌تواند فعالیت‌های معینی را در خارج از زندان انجام دهد با آنکه مستمراً تحت مراقبت است.

ثالثاً - نگهداری بیرون از زندان - این تدبیر به محکوم اجازه می‌دهد تا تحت مراقبت مدیریت زندان در بیرون از زندان کار کند. محکومینی می‌توانند از این رژیم برخوردار شوند که به یکسال حبس یا کمتر محکوم شده باشند. نحوه اجرای این رژیم را قاضی اجرای مجازات‌ها تعیین می‌کند.

۲. محدودیت دوران زندان

اولاً - تخفیف مجازات اجازه خروج پیش از موعد را به زندانی می‌دهد. مدت تخفیف جزء دوران محکومیت زندانی محاسبه می‌شود. به موجب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴، سه نوع تخفیف مجازات وجود دارد.

امتیازاتی که در جهت تخفیف مجازات، در زمان ثبت نام محکوم در دفتر زندانیان به او داده می‌شود.

تخفیف‌های تکمیلی مجازات که شامل حال محکومینی می‌شود که در دوره تأمینی کوشش‌های جدی در انطباق اجتماعی از خود نشان داده باشند. این تخفیف عبارت از سه ماه برای هر سال زندان است.

تخفیف‌های استثنایی که قانون ۲۰۰۴ اخیراً پیش‌بینی کرده است، به نفع محکومینی است که اظهاراتشان موجب قطع ارتکاب یک جرم یا عدم ارتکاب آن شده باشد. این گونه تخفیف‌ها توسط دادگاه اجرای مجازات‌ها داده می‌شود.^۱

ثانیاً - آزادی مشروط - این تدبیر قابل اعمال در تمامی مجازات‌های محروم کننده آزادی است، مشروط بر آن که شخص نصف محکومیت را (اگر اولین جرم او بوده)، و دو سوم محکومیت را (اگر تکرار جرم داشته) گذرانیده و در رفتار خود انطباق اجتماعی را جداً نشان داده باشد. صلاحیت قضائی بین قاضی اجرای مجازات‌ها (در مورد محکومین به ده سال زندان یا کمتر) و دادگاه اجرای مجازات‌ها (درخصوص دیگر محکومین) تقسیم شده است. دوره آزمایشی مساوی مدتی است که از محکومیت محکومین به حبس موقت، باقی مانده است. در آنچه به محکومیت حبس ابد مربوط می‌شود، این دوره بین شش تا هجده سال است. مراقبت‌های مؤخر در برگیرنده تدابیر مددکاری و نظارت و تکالیف خاص محکوم خواهد بود. در پایان دوره آزمایشی آزادی قطعی محقق می‌شود، اما در صورت محکومیتی جدید، یا عدم رعایت تکالیف معین شده، لغو تدابیر قابل پیش‌بینی و حصول است.

ثالثاً - دوره تأمینی - این تدبیر که در بعضی احکام کیفری به آن پیوست می‌شود، تاکنون برای منع هرگونه تجدیدنظر در مجازات بود. از زمان تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ و صف الغانایذیری خود را از دست می‌دهد، زیرا از این پس زندانی خود می‌تواند تقاضای بهبود شرایط را بکند. اصل شخصی شدن کیفر، از این پس، حتی در مورد سنگین‌ترین محکومیت‌ها مصداق می‌یابد، معهداً، بهبود شرایط مشروط به تحقق شرایط زیر است :

1. B. Bouloc, op.cit. Numéro 645

یکی اینکه، زندانی باید با رفتار جدی مبنی بر بازسازی اجتماعی از خود نشان دهد. دیگر اینکه، درخواست او به دادگاه فقط در صورتی که مدتی گذشته باشد قابل استماع است. چنانچه دیوان جنایی دوره تأمینی را سی سال تعیین کرده باشد، این مدت بیست سال، و در صورتی که دیوان هرگونه تجدید نظر کیفری را ممنوع کرده باشد، سی سال خواهد بود.

بند دوم - تشدید کیفر

ما در اینجا، شاهد دو گونه تدابیر هستیم. تدابیری که هدفشان صرفاً تغییرات اندک در رژیم موجود است، و تدابیری که جدید بوده، ترتیبات قانونی موجود را به گونه‌ای گسترده‌تر از اساس دگرگون می‌سازند.

اول - آمایش در رژیم موجود

الف - تجدیدنظر در کیفرهای مقرر

۱. **جریمه روزانه** - این مجازات فقط در خصوص بزرگسالان و در موارد تأدیبی قابل اعمال است، و عبارت می‌شود از پرداخت وجه به صندوق دولت که مبلغ آن را قاضی بر مبنای کار روزانه در روزهای معدود، تعیین می‌کند (حداکثر ۳۶۰ روز)^۱

۲. **کیفرهای سلب‌کننده یا محدودکننده حقوق** - این کیفرها که به سال ۱۹۷۵ در قانون مجازات وارد شده‌اند منحصراً در موارد تأدیبی (جنجه‌ای) قابل اعمال هستند. آنها را می‌توان بدون ذکر جزئیات بشرح زیر احصاء کرد:

کیفرهای مربوط به نقض مقررات رانندگی

کیفرهای مربوط به گواهینامه رانندگی

کیفرهای مربوط به کاربرد اسلحه

ممنوعیت‌های مربوط به استفاده از بعضی ابزارهای پرداخت، یا مصادره اشیاء مربوط

به انجام بعضی فعالیت‌های حرفه‌ای

ممنوعیت حضور در بعضی مکان‌ها، یا رفت و آمد با بعضی افراد

1. B. Bouloc, op.cit. Numéro524

غایت همه این تدابیر تأمین امنیت عمومی، و یا ضمانت از بزه دیدگان جرایم ارتكابی است.

۳. اصلاح رژیم تکرار جرم: قوانین ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ و ۱۰ اوت ۲۰۰۷ مرتکبین تکرار جرم را به نحوی فراگیر مضمول مقررات سرکوب‌گر می‌شمارند. علاوه بر گسترش ابعاد تکرار جرم، قانون مزبور کیفرها را تشدید می‌کند. شدت در عمل چارچوب تعیین مقررات جدید انتخاب کیفرها و ضمانت اجراها بروز و ظهور می‌نماید.^۱

تا این زمان، ماده ۱۳۲ قانون مجازات عمومی پیش‌بینی می‌کرد که مجازات و رژیم آنها براساس اوضاع و احوال ارتكاب جرم و شخصیت مرتکبین تعیین می‌شوند. از این پس، قانون ضرورتی نمی‌بیند که قاضی کیفرهای مقرر را مستند به ادله کند. از دیگر سو، برای مبارزه با جرم جنسی و تجاوز به عنف مکرر، قانون ۲۰۰۵ به ماده ۲۴-۲۲۲ قانون مجازات بند دهمی اضافه می‌نماید که اجازه می‌دهد وقتی تجاوز «توأم با چندین تجاوز دیگر در مورد دیگر قربانی» ارتكاب یابد، کیفر آن به بیست سال زندان افزایش پیدا می‌کند. بالاخره و مخصوصاً، سقف قانونی حبس افزایش یافته است. مثلاً وقتی کیفر دومین جنایت از ۲۰ تا ۳۰ سال پیش بینی شده باشد، سقف کیفر به حبس ابد تغییر و افزایش می‌یابد.

۴. بازتعریف تعلیق آزمایشی: کسی که دو بار از تعلیق مراقبتی در جرائم یکسان یا مشابه یکدیگر استفاده کرده باشد، در حالی که در وضعیت تکرار جرم قانونی بوده، دیگر نمی‌تواند از رژیم اصلاحی کیفر برخوردار شود.

۵. مراقبت اجتماعی - قضایی: این تدبیر اصلاحات چندی پیدا کرده است (قانون ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ و قانون ۱۰ اوت ۲۰۰۷). از این پس، قانون ۲۰۰۷ قاضی را موظف می‌کند - تضمین حقوقی حمایتی هرچه باشد - قرار مراقبت صادر کند. سقف دوره مراقبت برای جنحه ده سال و برای جنایت بیست سال بوده که چنانچه مدت محکومیت سی سال باشد به آن سی سال مراقبت افزوده شده است. در صورتی که حسب تصمیم دیوان جنایی، محکومیت مجرم به حبس ابد باشد دوره مراقبت غیرمحدود خواهد بود.

2. J.F.Seuic, la loi relative au traitement de la récidive des infractions pénales, RSC 2006, 352

همچنین، مراقبت اجتماعی - قضایی ممکن است یا در محیط زندان که قاضی می تواند پیشنهاد شروع مراقبت ها را بنماید یا در بیرون از محیط زندان محقق گردد. در صورت اخیر لازم خواهد بود که تحت نظارت دقیق قاضی اجرای مجازات ها تدابیر مراقبت پیش بینی شود.

ب - آمایش در مرحله اجرا

با قانون جدید، از این پس، حدود کاهش کیفر در مورد مرتکب تکرار جرم کمتر می شود. اگر در اولین سال قبلاً سه ماه بود، اکنون دو ماه می شود و اگر در سالهای بعدی قبلاً دو ماه بود، اکنون یک ماه می شود. در خصوص « کیفرها » یا « تفکیک کیفرهای » کمتر از یکسال که قبلاً هفت روز بود، اکنون به پنج روز در ماه تغییر می یابد. رژیم آزادی زندانیان مرتکب تکرار جرم نیز تغییر یافته، قاطعیت و شدت بیشتری در باره شان اعمال می گردد. مدت آزمایشی که سابقاً دو سوم کیفر باقیمانده بود، اکنون در مورد محکومیت های موقت به بیست سال تبدیل شده است. راجع به حبس ابد، دوره آزمایشی و مراقبتی کلیه محکومین افزایش یافته، در مورد محکومین عادی از ۱۵ سال به ۱۸ سال و برای مرتکبین تکرار جرم به ۲۲ سال تشدید پیدا کرده است.

۱. تبعید از فرانسه

قانون مدنی فرانسه شرایط از دست دادن تابعیت فرانسوی را پیش بینی کرده است.

۲. تعلیق ترسیمی مجازات

این نوع تعلیق باید زمینه احترام به منافع جامعه و رعایت حقوق بزه دیدگان را مساعد کند.

۳. تحکیم حقوق بزه دیدگان

بزه دیده باید از فوریت تصمیم گیری در خصوص تغییر کیفر آگاه شود. او می تواند نقطه نظرات کتبی خود را به دادگاه اجرای مجازات ها تسلیم کند. مراجع باید قبل از هر گونه تصمیمی، منافع بزه دیده را لحاظ کنند (ماده ۷۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). سپس، قانون هرگونه دیداری را بین محکوم و بزه دیده، وقتی خطر مقابله و برخورد وجود دارد، ممنوع می کند. به همین جهت قانون ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ ممنوعیت مواجهه را پیش بینی

می‌کند. بالاخره، از این پس جبران خسارت بزه‌دیده تکلیفی خاص در زمان لاحق برآزادی محکومین محسوب می‌شود، که بر مبنای چنین تعهدی از تخفیف مجازات برخوردار گشته‌اند.

۴. تشدید رژیم اعاده حیثیت

قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ رژیم تعیین مهلت کسب اعاده حیثیت را تشدید کرده است. از این پس، مهلت پنج سال از زمان پایان محکومیت شروع می‌شود. قانون آثار آن را نیز مشدد می‌کند. تاکنون، قانون محکومیت‌ها را خودبخود کان لم یکن تلقی می‌کرد. قانون حاضر پیش‌بینی می‌نماید که اعاده حیثیت مانع از این نیست که در اجرای قواعد تکرار جرم قانونی، چنانچه تعقیب کیفری جدید محقق نشود، محکومیت سابق لحاظ گردد.

دوم - ایجاد تدابیر جدید

قانون ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ دو تدبیر مقرر داشته است، یا به عبارت بهتر دو راه حل را احیاء می‌کند که هدفشان تأمین مراقبت بهینه مجرمین و مراقبت از اشخاص خطرناک، و همچنین مراقبت الکترونیکی سیار است. از طرف دیگر، قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ کیفر جدیدی را، به عنوان جبران خسارت، بوجود آورده است.

الف - نظارت بر اشخاص خطرناک

قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ مراقبت اجتماعی - قضایی را ایجاد کرده بود. قانون ۲۰۰۵ دامنه اجرای آن را با افزایش فهرست جرائم مشمول این رژیم، گسترش داد: جنایت علیه حیات، ربودن و توقیف، اعمال شکنجه و رفتار وحشیگرانه، تخریب ارادی اموال با به‌کارگیری مواد منفجره یا حریق.

به این ترتیب، چنین کیفری دیگر فقط مجرمین جنسی را که موضوع اصلی قانون بوده‌اند، تهدید نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای بس گسترده‌تر از بزهکاران خشن، قاتلین، آدم‌ربایان، بمب‌گذاران، اعم از تروریست و غیر تروریست را در برمی‌گیرد. این مجموعه جدید حتی نامگذاری جدیدی پیدا می‌کند: «محکومین جرائمی که مراقبت اجتماعی - قضایی در مورد آنها ضروری است». ماده ۷۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری توصیه می‌کند که این گونه مجرمین را در زندانهایی مستقر کنند تا بتوان آنها را تحت مراقبت‌های پزشکی

و روانپزشکی مناسب قرار داد. قانون جدید، این گونه مراقبت‌های قضایی اشخاص خطرناک را به تدابیر تأمینی تعریف و توصیف می‌کند. بنابراین، قانون، بلافاصله در مورد محکومینی قابل اعمال است که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون ۲۰۰۵ «خطر تکرار جرم آنها محقق نشده است».

قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ راجع به پیشگیری از جرائم، فهرست ذی‌ربط را به تخلفات ارتكابی در خانواده تسری می‌دهد. مراقبت‌های اجتماعی - قضایی در صورت رفتار خشونت‌آمیز زوج و زوجه و یا دوست رسمی پسر و دختر اعمال خواهد شد. چنین مراقبتی در صورتی که خشونت مزبور عادتاً و مکرراً انجام گیرد اجباری است. با توجه به امکانات غیر کافی که اکنون در اختیار ماست، معلوم نیست بتوان این قانون را حقیقتاً به اجرا گذاشت.

ب - برقراری مراقبت الکترونیکی سیار

قانون ۱۹ دسامبر ۱۹۹۷ که مراقبت الکترونیکی را با استفاده از دستبند پیش بینی کرده، از تجربیات کشورهای خارجی الهام گرفته است. قانون جدید توسل به مراقبت الکترونیکی سیار را برقرار می‌سازد که البته نباید با نوع پیشین مشتبه شود. در واقع، این دو تدبیر با یکدیگر تفاوت‌های فنی و حقوقی عمده‌ای دارند.^۱

از نظر فنی، مراقبت الکترونیکی ثابت حضور یا غیبت او را در مکانی که مفروض است آنجا باشد را به تشکیلات اداری ذی‌ربط اعلام می‌کند. اگر محکوم در آن مکان‌ها حضور نداشته باشد، دستبند نمی‌تواند مکانی را که محکوم آنجاست اعلام و مشخص کند، و این دقیقاً همان چیزی است که با مراقبت سیار امکان‌پذیر می‌شود. ثبت تغییر مکان محکوم در کامپیوتر، باعث می‌شود که شاخص‌های مجرمیت جمع‌آوری شود و نیروی پلیس بتواند تبهکار احتمالی را شناسایی کند.

نظر به اینکه این امر لطمه بزرگی به حریم زندگی خصوصی افراد می‌زند، لازم است شرایط اعمال آن معین گردند و در مورد روش‌های اجرای آن احتیاطات کافی را قانون پیش‌بینی می‌نماید. حکم برقراری مراقبت‌ها ممکن است به دو شکل صادر شود:

1. C.Cardet, l'externalisation de la mise en oeuvre du placement sous surveillance électronique, Rev. pen, 2003, 313.

۱- به عنوان مؤلفه‌ای از سیاست جنایی، مراقبت اجتماعی - قضایی تنها در صورتی که محکومیت اصلی بیش از هفت سال زندان باشد، اعمال گردد. ۲- مرجع قضاوت‌کننده، بر مبنای کارشناسی، محکوم را به موجب حکمی مدلل و مستند خطرناک اعلام دارد. مرجع مزبور به آگاهی محکوم می‌رساند که تدبیر مزبور بدون رضایت وی اعمال نخواهد شد. اما محکوم در این آزادی انتخاب محدودیت دارد، زیرا، در صورت عدم رضایت، دادگاه می‌تواند برایش مجازات زندان پیش‌بینی کند، و پیشاپیش مدت آن را نیز تعیین نماید. اجرای مراقبت الکترونیکی بسیار سبب حمل دستبندی می‌شود که امکان می‌دهد از فاصله دور در هر لحظه مکان حضور محکوم در سرتاسر قلمرو کشور مشخص گردد. فایده این تدابیر را قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ مورد تأکید قرار داده است.

ج - مجازات ضمانت اجرای ترمیمی: این کیفر که در قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ پیش‌بینی شده است، از حقوق صغار الهام گرفته شده است. از آنجا که جامعه از کارعام‌المنفعه خشنود می‌شود، این کیفر به نفع بزه دیدگان پیش‌بینی شده است. این کیفر گاه جان‌شینی برای تعقیب و گاه کیفر سلب‌کننده آزادی محسوب می‌گردد. این مجازات کسی را که جرم جنحه‌ای یا خلاف درجه پنجم مرتکب شده و به حبس یا جریمه یا جایگزین آنها محکوم شده است، مجبور می‌کند تا با پرداخت پول یا تأدیه جنس و کالا خسارات بزه‌دیده را جبران نماید. در غیر این صورت، مجازات زندان قابل خرید که در مرجع قضایی به آن حکم داده شده توسط قاضی اجرای مجازات‌ها اجرا خواهد شد.

سابقه قضایی انفورماتیزه مجرمین خشونت‌های جنسی که با قانون ۹ مارس ۲۰۰۷ پیش‌بینی شده است از ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵ به اجرا گذاشته شد. هدف اصلی ابداع این قانون شناخت و ردیابی مجرمین جنسی است که از آنان می‌خواهد مستمراً نشانی خود را اعلام دارند.

نتیجه‌گیری

با ارائه کارنامه سیاست جنایی امروزی فرانسه، دو نکته زیرین قابل استنتاج است: اولاً - در آنچه به « جرم » مربوط می‌شود، این برداشت بدیهی است که روند کیفرافزایی ادامه پیدا می‌کند. افزایش کمی جرائم و حجم کیفرهای مربوطه تردیدی باقی

نمی‌گذارد که فرآیند بازگشت به کیفر انقطاع ناپذیر است. هدف قانونگذار فرانسوی آن است که در این گیر و دار تکلیف عدالتخواهی را با انتظار قاطعیت آشتی داده و هماهنگ سازد.

ثانیاً- در آنچه به حقوق « جزایی » مربوط می‌شود، این گونه می‌توان برداشت کرد که دل‌نگرانی قانونگذار فرانسوی واقع‌گرایی در هم شکل کردن و اعمال مجازات‌هاست. تمامی تکیه و تأکید بر مؤثر بودن کیفر است که مدتها دچار غفلت شده بود. توجه به ضرورت تأثیر است که چهره دو گانه «نرمش» و «قاطعیت» را در رژیم کیفرها توجیه می‌کند. بر قانونگذار است که به رغم دشواری آن در این معرکه، تعادل را حفظ کند.

قانون ۳۰ اکتبر ۲۰۰۷ برای نیل به چنین تعادلی تصویب شده است. این قانون یک سیستم نظارتی عمومی بر مراکز بازداشت وزندان مستقر کرده که هدفش نظارت بر شرایط معیشتی و نقل و انتقال مجرمین زندانی است، تا احترام به حقوق اساسی آنها نیز تضمین گردد. در سال ۲۰۰۸، پارلمان فرانسه باید یک قانون مهم نظام زندانها را به بحث و رأی بگذارد. می‌بینیم که کارگاه تقنینی به این زودیه‌ها بسته نمی‌شود. اما آینده به این پرسش پاسخ خواهد داد که آیا قانونگذار به تحقق چنین تعادلی نایل خواهد شد یا خیر.^۱

References

- Annuaire statistique de la justice, 2006, ladocumentation francaise.
- B.Bouloc, droit penal general, igeme edition, Dalloz, 733.
- C.CARDET, L'externalization de la mise en oeuvre du placement sous surveillance electronique, Rev. Pen, 2005.
- J.J. Gleizal, La reforme des dispositifs de securite en France, Rsc2002, 900.
- J. Castiaignede, la loi du g septembre 2002, D.2003, 779.

1. P.Conte, Commentaire, Droit pénal, mai 2007; V.Gautron, Commentaire ib Idem, mai 2007; P.Bonfils, Commentaire, Dalloz, 2007, 10-27.

- ME. CARTIER, La responsabilite penale des personnes morales.
- P.CONTE, Commentaice, Droit Penal,mai 2007; V.GAUTRON, Commentaire ib idem, mai 2007; P.BONFILS, Commentaire Dalloz.
- R.Gassin, Criminologie, 5 eme edition.2003.
- Yves Mayaud, Retour surla culpabilite non intentionnelle en droit penal, D.2000,603.

